نصب شده‌اند. این سه اثر بیشتر حال و هوای بهاری و نوروزی دارند. جعبه موزیکال برگرفته از سنت قدیمی نوروزخوانی و بهارخوانی است که این روزها فراموش شده‌است. به گفته خوش‌اندام المان «جعبه موزیکال»، صندوقچه‌ای قدیمی است که دو نوازنده دهل و طبل از آن بیرون آمده‌اند. المان «عیدی سازی» یک قاب عکس است که با استفاده از هنر چاپ سنگی اجرا شده است. این هنرمند یادآور می‌شود که به همراه بهاره قادری سه طرح نقاشی دیواری به نام‌های «خانه دوست»، «عکس یادگاری» و «عید دیدنی تلفنی» را به ترتیب در خیابان‌های پنجتن ۴۵، پیروزی ۸۱ و بین فکوری ۸۶ و ۱۸۸ اجرا کرده‌اند.

به گفته او نقاشی دیواری «عید دیدنی تلفنی» بر این موضوع تأکید دارد که در این دوران به دید و بازدید نرویم و به صورت تلفنی حال همدیگر را جویا شویم.

«خورشید» در مشهد

بهنام آخربین مغانلو، هنرمند اردبیلی، اثری به نام «خوشید» را برای خانه بهار مشهد ساخته که در ابتدای بولوار ابوذر غفاری نصب شده‌است. او می‌گوید: من یک مجموعه کار به نام «خورشید» دارم که طراحی‌شان برگفته از مقرنس‌های به کار رفته در معماری ایرانی و اسلامی است. از این مجموعه کار در کشورهای ترکیه، اسلوونی و ارمنستان نیز نصب کرده‌ام.

او که در سومین بینال مجسمه‌سازی مشهد با اثری به نام «تولد خورشید» از همین مجموعه کار شرکت کرده‌بود خاطرنشان می‌کند: در ایران از این کار در پرند، کیش و دو تا در مشهد نصب کرده‌ام.

این هنرمند نیز از کمبود وقت برای ساخت المانش می‌گوید: کار من سنگ و ابعادش ۹ متر مکعب بود باید آن را در ۳۵ روز تمام می‌کردم. بنابراین مجبور بودم از ۷ صبح کار را شروع کنم و تا ۱۰ شب مشغول باشم که این کار اصلا اصولی نیست. من فکر می‌کنم باید برای این جشنواره دو بخش درنظر گرفته شود. بخشی برای آثار مخصوص عید و بخشی برای کارهای دائم که برای بخش دوم زمان بیشتری اختصاص داده شود.

اثری برگرفته از شعر مولانا

اعظم استیری براساس بیت «آمد بهار جان‌ها ای شاخ تر به رقص آ/ چون یوسف اندر آمد، مصر و شکر! به رقص آ» از مولانا المانی طراحی کرده‌است که در چهارراه گلستان-روبه‌روی کتابخانه نصب شده‌است. استیری توضیح می‌دهد: در این المان دو فیگور زن و مرد به نمایندگی از همه آدم‌ها طراحی کرده‌ام که دچار تحول شده‌اند. بدن و تن فیگور به شکل تنه درخت است. همچنین مصرع اول بیت مولانا بر روی سر خانم به صورت سیاه‌مشق تکرار شده و مصرع دوم بر روی سر آقا قرار گرفته که به شکل شاخ و برگ و نمادی از رویش هستند.

او که از مکان نصب اثر احساس رضایت دارد خاطرنشان می‌کند: کتابخانه‌ای که پشت اثر قرار گرفته بعد دیگری به آن داده است. به طوری که از المان برداشت‌های متفاوتی می‌شود. مثلا یک نفر این‌طور برداشت کرده بود که این افراد کتاب‌های زیادی خوانده‌اند و سرشان پر از ایده و فکر شده‌است. این هنرمند در بخش نقاشی دیواری نیز اثری به نام طبیعت جاری دارد که دو طرح از میدان تختی تا خیابان راهنمایی اجرا می‌شود. استیری می‌گوید: همچنان مشغول اجرای این کار هستیم و احتمالا در عید یا بعد از عید آن را به پایان برسانیم.

به گفته او این نقاشی درباره طبیعت خراسان است و دشت ارغوان، آبشارها، رودهای اخلمد و ییلاقات مشهد را به تصویر می‌کشد.

تداعی بهشت

نگار مبارک‌زاده هنرمند تهرانی که اولین بار است در جشنواره «استقبال از بهار» حضور دارد. المانی به نام «بهشت گمشده» را که در بولوار جمهوری اسلامی، میدان غدیر نصب شده، طراحی کرده‌است. این طرح شامل چند ابر است که بر روی دوستون قرار گرفته‌اند.

مبارک‌زاده درباره این اثر توضیح می‌دهد: من از سال‌ها قبل درباره ابرها در مینیاتور ایرانی تحقیق و روی ایده ساخت آن‌ها کار می‌کردم. طرح ابرهایی هم که در این المان وجود دارد به نقاشی ایرانی نزدیک است. من سعی کرده‌ام در این المان با استفاده از ترکیب رنگ‌های مناسب حالتی بهشت گونه را تداعی کنم.

او یادآور می‌شود: من فکر می‌کنم المان «بهشت گمشده» معنویتی دارد که مناسب با حال و هوای مشهد مقدس است. از این‌رو در جشنواره خانه بهار پذیرفته شده‌است.

این هنرمند نیز درباره زمان کوتاهی که برای ساخت اثر داشته می‌گوید: جشنواره شهرداری مشهد نسبت به خیلی رویدادها نظم بیشتری داشت ولی نمی‌دانم چرا بروکراسی اداری‌اش خیلی طولانی شد. مثلا در تهران حداکثر ۱۵ روز بعد از امضای قرارداد پرداخت اولیه انجام می‌شود اما در مشهد کار که نصب شد پیش‌پرداخت اولیه را به من دادند.

مبارزه با کرونا به روایت نقاشی‌های ایرانی

در میان المان‌های امسال اثری هم وجود دارد که بحران امروز جامعه ما یعنی کرونا را با نقاشی‌های شاهنامه ترکیب کرده‌است. وجیهه داناسیدآبادی نگاره «کووید ۱۹» را ساخته که در میدان جانباز نصب شده‌است. او ایده ابتدایی طرحش را از روی تصاویر نگارگری و نقاشی‌های شاهنامه گرفته‌است. این هنرمند می‌گوید: من نقاشی‌های نگارگری شاهنامه را با یک تصویر جدید و امروزی و جریانی که همه با آن درگیر هستیم یعنی کرونا ترکیب کرده‌ام. در این نگاره تمام شخصیت‌ها ماسک دارند و ابزارهای جنگی‌شان تفاوت کرده تا با ویروس مبارزه کنند. همچنین در قسمت بالایی و پایینی اثر شعری با مضمون کرونا نوشته شده است.

داناسیدآبادی یادآور می‌شود: المان من جزئیات بسیاری داشت. از این‌رو حدود ۲۵ روز با یک گروه حدودا ده‌نفره شبانه‌روزی کار کردیم تا بتوانیم کار را به موعد مقرر برسانیم.

دیگر المان‌ها

المان‌های دیگری نیز در شهر نصب شده‌اند و یا درحال نصب هستند که هرکدام حال و هوای متفاوتی دارند. از میان آن‌ها می‌توان به المان‌های طراوت بهاری اثر سمانه شادی گندم‌آبادی و «نوبهار» اثر حسین کهفی نصب شده در میدان استقلال، «هفت‌سین ۱۴۰۰» ساخته سمیه شبانی در چهارراه احمدآباد، «بچه‌های روستا» ساخته عبدالصادق کوهی در برکه پارک ملت، «حس ناب» با طراحی علی فتحی نوذر در چهارراه مخابرات و «سده چهارده» اثر مهدی درویشی نصب شده در میدان کوثر اشاره کرد. المان «نبرد رستم و اکوان دیو» در جلوخان فردوسی، «رستاخیز» در میدان قائم (عج) ورودی از سمت مشهد به قوچان، «ساعت» ابتدای باغ ملی، «عمارت خشتی» در چهارراه لشکر، «سنت تصویری برای عید و سالگشت آن» روبه‌روی معلم ۱۳، «گل کوچیک» در بولوار فرودگاه، «گل و مرغ» ورودی پارک امت، «ابوریحان بیرونی» در میدان ابوریحان، «نبرد رستم» بولوار شهید مدرس، «در اوج شادی» بولوار قرنی، «پیغام محبت» در میدان کاشانی، «بازی نور و سایه» در آیلند میانی احمدآباد، «اسب» حدفاصل خیابان کفایی تا میدان شریعتی و طاق نمای نور (نورآرایی) و گذر شعر (نورآرایی) به ترتیب در پیاده‌راه خیام و احمدآباد حدفاصل رضا تا طالقانی از آثاری هستند که تا به امروز در سطح شهر نصب شده‌اند.







از سید عبدالهادی مرتضوی، در حوزه علوم سیاسی دو کتاب «تمدن نوین اسلامی» نوشته روحا... سعیدی فاضل و «رسانه شمشیر دودم» از مرحوم عباس تیموری برگزیده‌های کتاب سال هفدهمین دوره کتاب سال در خراسان رضوی بودند.

همچنین انتشارات ستاره‌ها به مدیر مسئولی سعید محسن‌زاده کاشانی، ناشر برگزیده این دوره از کتاب سال شد.

رئیس و معاون فرهنگی رسانه‌ای اداره فرهنگ و ارشاد خراسان رضوی، معاونت فرهنگی سپاه امام‌رضا(ع)، رئیس اتحادیه ناشران خراسان رضوی، معاون پژوهشی حوزه علمیه خراسان رضوی از دیگر حاضران در این جلسه بودند.

یادی از زنده‌یاد محمد مطیع بازیگر فقید مشهدی در سالگرد درگذشتش

بازیگر همه‌چیز تمام



محمد عنبرسوز

یکی از بدترین خبرهای پایانی سال‌های اخیر که شیرینی تحویل سال ۹۸ را به کام دوستداران هنر در کشورمان تلخ کرد، خبر درگذشت محمد مطیع، بازیگر باسابقه و کارکشته سینما، تئاتر و تلویزیون ایران، در آخرین ساعات سال ۹۷ و در سن هفتادوپنج سالگی، بود. مرحوم مطیع که در سال ۱۳۲۲ در مشهد متولد شده بود، در روزگاری که کمتر کسی به تحصیلات دانشگاهی در رشته هنر گرایش داشت، به دانشگاه رفت و لیسانس تئاترش را از دانشکده هنرهای دراماتیک اخذ نمود. مطیع کار بازیگری در تئاتر را از میانه‌های دهه چهل آغاز کرد و از اوایل دهه پنجاه به سینما آمد. نخستین تجربه سینمایی او فیلم «رضا هفت‌خط» به کارگردانی حسین ترابی است که در سال ۵۱ ساخته شد و مطیع در این فیلم نقش شخصیت ممل را ایفا می‌کرد. به مناسبت دومین سالروز فوت این هنرمند بزرگ، مروری داریم بر کارنامه هنری او که با نقش‌های تاریخی عجین شده‌است.

تلاش تا نقطه امن

این هنرمند با تجربه در سال‌های ابتدایی فعالیت خود به عنوان بازیگر در تئاتر فعال بود و تلاش می‌کرد تا از مسیر تئاتر و سینما به نقطه امنی که مد نظر داشت برسد و امضایش را پای شیوه منحصربه‌فرد بازیگری خود بیندازد. از کیفیت تئاترهایی که محمد مطیع بازی کرده اطلاعات چندانی در دسترس نیست؛ اما این را می‌دانیم که مطیع با بازیگری در نمایش‌هایی همچون «صیادان»، «پیش پرده»، «بازرس» و... در همان سن جوانی، استعداد خود را به رخ کشیده و راهش را به سینما و تلویزیون باز کرده است. مطیع در سینما هم فعال بوده و بعد از «رضا هفت‌خط»، در فیلم‌های مختلف دیگری هم به ایفای نقش پرداخته که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «کلاغ»، اثر بهرام بیضایی و «دایره مینا» به کارگردانی داریوش مهرجویی اشاره کرد. مرحوم مطیع در سال ۵۳ در نقش عباس، حضور جذابی در «دایره مینا» داشت و سه سال بعد، با ایفای نقش آقای دیم‌کار در «کلاغ»، همکاری با بیضایی را تجربه کرد. همکاری با فیلم‌سازان صاحب‌نامی همچون این دو نفر و دیگر کارگردانان مطرح آن روزگار از جمله داریوش فرهنگ، سیروس الوند و واروژ کریم مسیحی، محمد مطیع را آماده درخشش در نقش‌های جذاب‌تر کرد.

> **به‌طورکلی، کارنامه محمد مطیع را می‌توانیم به دو دوره مختلف تقسیم کنیم. او در دوره اول کاری خود تا اواسط دهه شصت به بازیگری مشغول بود، اما بعد از آن برای مدتی نزدیک به دو دهه ایران را ترک کرد و فعالیت‌های هنری خود را، به شکلی مختصر، در اروپا ادامه داد**

یک شکاف غم‌انگیز

کارنامه محمد مطیع را می‌توانیم به دو دوره مختلف تقسیم کنیم. او در دوره اول کاری خود تا اواسط دهه شصت به بازیگری مشغول بود، اما بعد از آن برای مدتی نزدیک به دو دهه ایران را ترک کرد و فعالیت‌های هنری خود را، به شکلی مختصر، در اروپا ادامه داد. مرحوم مطیع هم مثل بسیاری دیگر از هنرمندان اصیل و متعهد، نتوانست با دوری از میهن خود و رنج کار نکردن برای مردمش کنار بیاید؛ بنابراین در اواسط دهه هشتاد به ایران بازگشت و دوره دوم فعالیتش را آغاز کرد.

مرور سوابق این هنرمند ارزنده نشان می‌دهد که اگر فعالیت هنری محمد مطیع با این وقفه طولانی همراه نمی‌شد، او به احتمال زیاد امروز یکی از برجسته‌ترین بازیگران تاریخ سینما و تلویزیون ایران لقب می‌گرفت. البته در این مورد، مقایسه‌ها چندان مبنای روشنی ندارند و کسی نمی‌تواند حدس بزند که تقدیر یک هنرمند ممکن بود چطور رقم بخورد، اما روشن است که محمد مطیع در اوایل دهه شصت همه فاکتورهای لازم برای موفقیت در عرصه بازیگری را داشت. در این دوران که سینما و تلویزیون ایران مشغول پوست‌اندازی بود و نمایش ایرانی کم‌کم لحن خاص خودش در دوران جدید را پیدا می‌کرد، محمدمطیع با تجربه بیش از یک دهه فعالیت در عرصه بازیگری و همکاری با بازیگران و کارگردان‌های برجسته ایرانی، می‌توانست نامش را در کنار پنج بازیگر برتر تاریخ ایران جاودانه کند؛ آن‌چنان که با سریال‌های مهم تاریخی در دهه شصت همکاری با ستاره‌های آن زمان را تجربه کرد و توانایی‌هایش را در حضور بزرگان به اثبات رساند.

اثرگذاری حداکثری

محمد مطیع در دهه شصت بازیگری در چهار سریال تاریخی را به کارنامه خود اضافه کرد که هر کدامشان در تاریخ تلویزیون ایران به آثاری فراموش نشدنی تبدیل شده‌اند. «افسانه سلطان و شبان» به کارگردانی داریوش فرهنگ مجموعه گرم و جذابی بود که محمد مطیع در آن نقش وزیر اعظم را ایفا می‌کرد؛ نقشی که هنوز هم بسیاری از دوستداران هنر مایل هستند مطیع را با آن به یاد بیاورند. بازی در نقش میرزا آقاخان نوری سریال ماندگار «امیرکبیر» به کارگردانی سعید نیکپور تجربه موفق بعدی محمد مطیع بود و او را به یکی از بازیگران منعطف و کاربلد آثار تاریخی تبدیل کرد. مطیع در ادامه، با نقش احسان‌ا... خان مقابل دوربین سریال «کوچک جنگلی» رفت که کارگردانی آن، پس از حواشی فراوان، به بهروز افخمی سپرده شده بود. اما «هزاردستان» ساخته مرحوم علی حاتمی، احتمالا درخشان‌ترین سریالی است که مطیع در آن به ایفای نقش کوتاه غلام عمه (برادرزاده شعبون استخونی) پرداخته بود.

همین چهار مجموعه تلویزیونی ماندگار برای ثبت کردن نام محمد مطیع به عنوان یکی از پایه‌های ثابت سریال‌های تاریخی کفایت می‌کرد. او در این دوران همکاری با بهترین هنرمندان زمانه خودش را تجربه کرد و این تلاش‌ها از او یک هنرپیشه باتجربه ساخت. محمدمطیع شاید کمتر به عنوان نفر اول یا ستاره سینما و تلویزیون شناخته می‌شد، اما همیشه از پس کار خودش برمی‌آمد. با این حال، مهاجرت ضربه شدیدی به کارنامه کاری او وارد کرد و بین این هنرمند اوج گرفته و مردمش فاصله انداخت.

بازگشت پرحاشیه

بازگشت محمد مطیع به ایران در میانه‌های دهه هشتاد رخ داد که حاشیه‌های فراوانی را برای این بازیگر به دنبال داشت. او که زیاد اهل مصاحبه و جنجال نبود، چندین بار صراحتا از فضای رسانه‌ای و حسادت برخی افراد که با تهمت و حاشیه‌سازی او را می‌آزردند، گله کرد و در سال‌های آخر تصمیم گرفته بود کمتر جلوی دوربین برود. او در بازگشتش به ایران، تنها دو بار در سینما حضور یافت که یک بار به همکاری مجدد با همکار قدیمی خود، واروژ کریم مسیحی، در فیلم تحسین شده «تردید» مربوط می‌شد و دیگری یک کمدی ساده به نام «قبرستان غیرانتفاعی» بود. حضور مطیع در تلویزیون اما، در دومین دوره فعالیتش شکل متفاوتی به خود گرفت. ترکیب سریال‌های تاریخی با مجموعه‌های طنز در کارنامه دوره دوم فعالیت محمد مطیع کاملا مشهود است. او در این دوران سریال‌های مختلفی را بازی کرد که از بین آن‌ها سه نقش تاریخی در «عمارت فرنگی»، «سال‌های مشروطه» و «تبریز در مه» به کارنامه هنری او جلوه‌ای دو چندان بخشید؛ بالأخص که نقش قائم‌مقام فراهانی در سریال «تبریز در مه» به حافظه تاریخی تلویزیون ایران سپرده خواهد شد. او که همیشه یک نوع طنز و شیرینی خاص در لحن بازی و اجرایش تنیده بوده، علاوه بر همکاری نزدیک با محمدرضا ورزی و بازی در این مجموعه‌های جذاب، در دوران دوم فعالیتش در تلویزیون به ایفای نقش در «ماه عسل» شاهد احمدلو و «باغ سرهنگ» به کارگردانی فلورا سام پرداخت که این دومی آخرین تجربه بازیگری محمد مطیع بود.

در آیین سومین جایزه فرهنگی هنری شهید مهدی منصوب، معرفی شد

خالق «شهربانو»؛ منتخب یادواره «منصوب»



سمیرا شاهیان
s.shahian@shahraranews.ir

از سه سال گذشته خانواده شهید مهدی منصوب در حرکتی خودجوش و مستقل، به‌نیت ترویج فرهنگ شهید تصمیم می‌گیرند، سالانه یک نفر از شهر یا استانمان را به‌عنوان هنرمند اثرگذار در فضای فرهنگی هنری مشهد معرفی کنند. از همین‌رو، هیئت انتخابی به گزینش خانواده شهید گرد هم جمع می‌شوند و درباره نامزدها گفت‌وگو می‌کنند که جمع‌بندی‌شان در مرحله نخست، به پنج نفر و در پایان به دو هنرمند می‌رسد. در نهایت نیز، خانواده شهید، یک نفر را به‌عنوان برگزیده سال اعلام می‌کنند. این برگزیده اگر از میان آقایان باشد، چهره او را احمد منصوب نقاشی می‌کند و اگر از میان بانوان هنرمند باشد، تصویری نقاشی شده از رهبر معظم انقلاب به او اهدا می‌شود.

سومین جایزه پس از یک سال وقفه به‌دلیل فراگیری ویروس کرونا، در مراسمی به برگزیده این رویداد تقدیم شد. در بیانیه هیئت انتخاب آمده بود؛ «جایزه شهید منصوب می‌خواهد پاسداشت و تکریمی باشد برای هنرمندان متعهدی که سنگر هنر را کارزار خود در مقابله با دشمنان اسلام و انقلاب قرار داده‌اند و می‌خواهند با هنرشان جبهه حق و اسلام ناب محمدی(ص) را یاری نمایند.»

اعضای این دوره از هیئت انتخاب امسال سید مهدی و سید محمدجواد میری، میثم مرادی، حجت احمدی‌زر، مجید عسگری و حسین‌زاده معاون فرهنگی سپاه بودند.

مریم‌قربان‌زاده، منتخب دریافت جایزه فرهنگی هنری شهید منصوب شد که تصویری از رهبر انقلاب به قلم برادر شهید، احمد منصوب به او اهدا شد.

نمونه جوان مؤمن و انقلابی

در این مراسم، احمد منصوب، نقاش، درباره برادرش مهدی گفت: مهدی، برادر بزرگ ما بود و در کنار پدرمان نقش معلم و راهنما را برای ما ایفا می‌کرد.

او افزود: وقتی به زندگی‌اش نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در درس و ورزش موفق بود؛ مهدی، مهندسی عمران در دانشگاه گیلان می‌خواند و در زمان شهادتش، دانشجوی ترم سوم بود. او فوتبالیست و طرف‌دار تیم ابومسلم بود. به‌علاوه اهل کار و تلاش بود و در خاطرم نیست وقتش را به بطالت بگذراند؛ با اینکه خانواده‌مان از نظر مالی در رفاه بود، در زمان بیکاری با پیکان قرمزرنگ حاج آقا مسافرکشی می‌کرد و بعد از شهادتش خبردار شدیم دست‌به‌خیر بوده و بارها به کسانی که نیاز مالی داشتند پنهانی کمک کرده بود.

برادر شهید منصوب با بیان اینکه مهدی، نمونه یک جوان مؤمن و انقلابی بود، اظهار کرد: او در سال ۱۳۶۰ برای اولین‌بار وارد جبهه شد و در خدمت سردار افتخارآفرین خطه خراسان، شهید کاوه بود و به‌عنوان بسیجی در روابط‌عمومی و تبلیغات سپاه سقز خدمت می‌کرد. او در سال‌های بعد به‌عنوان نیروی دیده‌بان، فعال فرهنگی، فیلم‌بردار و عکاس بود و در آخرین مرحله عضو واحد اطلاعات و عملیات شد تا اینکه اول اسفند ۱۳۶۶، جزیره مجنون سکوی پرتابی شد و مهدی به ملکوت اعلا پیوست.

منصوب، هدف از این رویداد را زنده نگه داشتن یاد شهید دانست و گفت: به فرمایش حضرت آقا که می‌فرمایند خانواده شهدا در شعاع نفوذ خودشان تا جایی که می‌توانند به تبلیغ شهیدشان بپردازند، دوست داشتیم اقدامی فرهنگی کنیم و این رویداد را از سه سال پیش با تلاش برادران میری و آقای خالقی پایه‌گذاری کردیم.

اثر هنری برادر شهید به نویسنده انقلابی

نامزدهای این دوره از جایزه فرهنگی هنری شهید مهدی منصوب، محسن اسلام‌زاده (مستندساز)، مریم‌قربان‌زاده (نویسنده)، حمید فخار (گرافیست)، ابوالفضل حاجتمند (تهیه‌کننده و فیلم‌ساز) و رضاحاتمی‌وفا (تولیدکننده محصولات رسانه نوین) بودند که در نهایت اثر هنری احمد منصوب با دستان پدر و مادر شهید به مریم قربان‌زاده اهدا شد.

در ادامه، مهدی خالقی، برنده جایزه دوره اول شهید منصوب با توجه به سابقه همکاری‌اش با مریم قربان‌زاده گفت: همکاری ما به زمان نگارش کتاب شهید دیالمه بازمی‌گردد. برای بازنویسی کتاب نیاز به نوعی لطافت قلم داشتیم و از آنجا که سابقه تدریس و نویسندگی او را شنیده بودم، بازنویسی کتاب را به خانم قربان‌زاده پیشنهاد دادم و کتاب دیالمه شد، آنچه شد.

او افزود: در آن پروژه سعه صدر، پشتکار، قلم توانای خانم قربان‌زاده برای من به اثبات رسید و در سال‌های بعد توانست به‌عنوان نویسنده مستقل آثار بعدی‌اش را به نگارش دربیاورد. همچنین حسینی، همسر شهید مدافع حرم، علیرضا توسلی که خاطراتش از سوی مریم قربان‌زاده به نگارش درآمده است، گفت: دوستی و آشنایی من با نویسنده به اولین روزهای بعد از شهادت ابوحامد یعنی هفت، هشت سال گذشته برمی‌گردد. ثبت خاطرات من از سوی او از همان زمان شروع شد و در این سال‌ها ارتباط خوبی با هم پیدا کردیم.

حسینی افزود: امیدوار بودم این کار، تأثیرگذاری مثبتی داشته باشد که به قلم نویسنده همین‌طور هم شد.

از مریم قربان‌زاده سه اثر به نام‌های «شهربانو» و «دریادل» و «خاتون و قوماندان» چاپ و منتشر شده است. دو اثر پایانی یاد شده، از سوی نشر ستاره‌ها در این جلسه به حضار هدیه شد. همچنین در این برنامه سید علیرضا مهرداد یکی از نویسندگان و شاعران مشهدی، شعری درباره شهید منصوب، تقدیم به خانواده شهید کرد.

شهرآرا
روزنامه شهر امید و زندگی
۴شنبه
۲۷ اسفند ۱۳۹۹
۰۳ شعبان ۱۴۴۲
شماره ۳۳۴۸
SHAHRARANEWS.IR